

چکیده

پادشاهی ساسانیان نوعی حکومت دینی بود. اقتصاد و تجارت به عنوان یکی از ابعاد جامعه ساسانی، قوانین و احکام مخصوص به خود را داشت. این قوانین در دین رسمی ساسانیان (یعنی دین زرتشتی) ریشه داشتند و تطبیق آن‌ها با قوانین تجارت بین‌الملل، برای آنان مسئله‌ای اساسی بود.

بنابراین، در مقاله حاضر سعی شده تا با تکیه بر اوستا و سایر متون پهلوی که به دست موبدان و بانیان دین گردآوری و تألیف شده‌اند، قوانین حاکم بر تجارت در ایران عصر ساسانی استخراج و بازخوانی شوند. هدف از این امر، به تصویر کشیدن اوضاع تجاری و جایگاه تجارت و شرایط حاکم بر آن در جامعه ایران آن روز است.

کلید واژه‌ها: ساسانیان، تجارت، قوانین تجارت، شرکت‌های تجاری.

تجارت و مسائل حقوقی آن در دوره ساسانیان



سکه خسرو پرویز

حسین نادری قره‌بابا
مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه

در ایران دوره باستان، دولت ساسانی تنها دولتی بود که با نهضت دینی بر صحنه تاریخ پدیدار شد. دین زرتشتی بر قوانین آن دولت تأثیر کامل و فراوان بر جای گذاشت. اساسی‌ترین موضوعی که مدنظر اردشیر بابکان (۲۲۶-۲۴۱ م)، بنیان‌گذار سلسله ساسانی، قرار داشت، امور دینی بود. وی که قصد احیای دین زرتشتی را داشت، در سراسر کشور آتشکده‌هایی بنیاد نهاد. هم‌چنین فرمان داد، همه آموزه‌های زرتشت را در یک کتاب فراهم آورند تا در کارهای دینی منبع قابل اعتمادی باشد و همگان به آن گردن نهند.

اردشیر بابکان برای رسیدن به این مقصود، از مغان سراسر شاهنشاهی، انجمنی فراهم آورد و از میان هزاران مؤبد که از همه‌جای کشور گرد آمده بودند، هفت تن

را برگزید و موبد موبدان را به سروری آنان برگماشت. اردشیر برای استوارسازی دین زرتشت، به بانیان آن، قدرت عمل بیشتری بخشید و آنان را در فرمان‌روایی شرکت داد و در هر سو موبدانی گماشت تا بر اجرای امور، طبق دستورهای دینی، نظارت نمایند [عباس، ۱۳۴۸: ۲۱-۲۰].

تقریباً تمامی قوانین دوره ساسانی از «اوستا» و دستورهای دینی آن اقتباس شده بود، اما کاربرد این آموزه‌ها در اقدامات قانونی از جمله تجارت، به صورت غیرمستقیم بود. زیرا اصول و مقررات اوستا که در نسک‌های گوناگون آن منعکس است، چه از لحاظ مدنی و چه از لحاظ جزائی، کامل و رافع همه احتیاجات جامعه ایرانی آن روز نبودند. در مقایسه با تراز پیشرفت جامعه‌ای که در آن به کار بسته می‌شدند، کهنه و ابتدایی به شمار می‌رفتند. این امر در زمینه تجارت که به رکنی از ارکان سیاست‌های داخلی و خارجی دولت ساسانی تبدیل شده بود، بسیار مشهود بود. لذا برای تکمیل آن، وضع قوانین عرفی و اجتماعی و تجاری دیگر ضرورت داشت و این نقیصه را پادشاهان ساسانی با صدور فرامین و وضع پاره‌ای مقررات، مرتفع می‌کردند [احمدی، ۱۳۴۶: ۹۴].



قوانین از ورای متون دینی

قوانین ایران در دوره ساسانیان تحول و دگرگونی فراوان یافت. اما با این حال، صلاحیت و اعتبار نسک‌های حقوقی هم‌چنان معتبر باقی ماند. در این دوره، تفسیر شفاهی نسک‌های مزبور رواج فراوان یافت و به گفته «قانون‌نامه»، تفاسیر مکتوبی که درباره نسک‌های حقوقی اوستا نوشته شدند، از میانه دوره ساسانی پایه و زمینه اقدامات قانونی را مشخص می‌ساختند. این تفاسیر را «چاشتک»^۱ یعنی «آموزش‌ها» می‌خواندند [یارشاطر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۱۳].

مبانی حقوق عهد ساسانی، کتاب اوستا و تفاسیر آن و اجماع «نیکان»، یعنی مجموعه فتاوی علمای زردشتی، بوده است [کریستین سن، ۱۳۷۸: ۲۱۸]. ظاهراً مجموعه‌ای قانونی به معنی اخص کلمه «قانون» وجود نداشته است. لکن از خلاصه نسک‌های «داتیک» اوستا که در کتاب «دینکرد» موجود است، چنین استنباط می‌شود که چندین نسک شامل مسائل حقوقی بوده است. این نسک و نسک‌های دیگر اوستا، مقرراتی راجع به اصول قضایی و روابط حقوقی و جرائم، و مقرراتی مربوط به بزهاران (قاتل، دزد، راهزن و ...) و بردگان و عقود و تعهدات و

غیره دربردارند.

در بخش «وندیداد» در مورد قرض چنین آمده است: «کسی که از بازگرداندن سپرده‌ای به دارنده‌اش خودداری کند، کردارش بدان ماند که آن سپرده را از دارنده‌اش دزدیده باشد. تا هنگامی که آن سپرده را در خانه خویش نگاه دارد، هر روز و هر شب که بدان دست زند و آن را از آن خویش بشمارد، بدان ماند که دیگر بار آن را دزدیده باشد» [دوستخواه، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۸۹].

مهم‌ترین قوانین تجارت

از مهم‌ترین قوانین تجارت، همان مقررات حاکم بر قراردادهای خرید و فروش بود. سیمای مشخص قراردادهای این دوره، نخست تثبیت قرارداد در شکل نوشته و در یک سند قرارداد بود. دوم، وجود راه‌های گوناگون تضمین انجام تعهدات و سوم حمایت دستگاه قضایی از منافع طرف‌های قرارداد بود. زیرا هر قرارداد رسمی، به طرف‌های آن حق می‌داد آن را به اجرا درآورند.

معمولاً سند قرارداد در چند نسخه تهیه می‌شد، چنان‌که هر طرف قرارداد، یک نسخه را پیش خود نگه می‌داشت و سند را با مهر گلی مهر می‌زدند. هم‌چنین،

ثبت قراردادها در دادگاه‌ها و دفترخانه‌ها، به‌ویژه هنگامی که مال مورد معامله غیرمنقول بود، رواج گسترده‌ای داشت. دفترخانه، نسخه‌ای از هر سند خصوصی را در بایگانی خود نگه می‌داشت [Shaki, 457-460]. حیطة کاربرد قرارداد شفاهی تا آن‌جا بود که عمدتاً به معاملات چیزهای منقول مربوط می‌گشت. عناصری از این شکل باستانی، در آیین بستن قراردادهای شفاهی که مقدم بر سند مکتوب بود، هم‌چنان زنده ماند. طرف‌های قرارداد در پیش گواهان و در برابر قاضی، جملاتی را سه بار تکرار می‌کردند. در بندها و مفاد خود قراردادها، ردپایی از تأثیر پیمان‌شاهی را می‌توان دید.

یک روش برای تضمین انجام قرارداد، تصریح گرفتن جریمه یا تاوان از طرف زیر پاگذارنده قرارداد بوده است. چنین ماده کیفری، در بخش دوم از فرگرد چهارم وندیداد به چشم می‌خورد. روش دیگر، ضمانت اجرای قرارداد که در ماده ۴۵ قانون‌نامه «ماتیکان هزار داتستان» ذکر شده، شرایط گرفتن غرامت بوده است [Farrax-marti, 1980: 176].

مواد مربوط به جریمه‌ها و غرامت‌ها، هرگاه در سند قید می‌گردید، به هر یک از طرف‌های قرارداد حق می‌داد در صورت

جانشینان او به کاشتن زمینی که در قبال پرداخت اجاره بهای معین به تصرف او داده شده، پرده از ماهیت واقعی معامله برمی دارد [همان، ۱۵۰].

انتقال حق واقعی به خریدار، به محض این که وی بهای کالا را می پرداخت، انجام می گرفت، اما تحول خود کالا ممکن بود با تأخیر انجام گیرد. فروشنده ملزم بود تا هنگامی که کالای فروخته شده را به خریدار تحویل نداده است، از آن به خوبی نگه داری کند و اگر از روز معامله تا زمان تحویل کالا به خریدار، درامدی از آن به دست آورد، از آن نیز به دقت مراقبت کند [همان، ۲۴۷]. از سوی دیگر، خریدار حق داشت، اگر کالایی که خریده، در این مدت آسیبی می دید، از فروشنده غرامت بخواهد. اگر فروشنده می خواست کالایی را که فروخته است، مدتی دراز پیش خود نگه دارد، غالباً با خریدار قراردادی تازه می بست و آن کالا را از وی به امانت می گرفت.

در کتاب حقوقی «داتستان دینیک» نیز در مورد اقلام کالاهای مورد مبادله، احکام و قوانین بسیاری موجود است. در این کتاب، در زمینه احتکار گندم و گران فروشی چنین حکم شده است:

«اگر گندم را در مواقع وفور برای روز مبادا و مواقع کمیابی انباشته سازند، امری پسندیده است، اما اگر آن را به هنگام ارزان بودن خریداری کنند و به هنگام قحطی و گرانی با قیمت گزاف بر هم دینان خود بفروشند، مرتکب گناه می شوند. گناه بزرگ تر این است که گندم انباشته شده فاسد شود. در این صورت، لعن و نفرین کسانی که در نتیجه این امر آسیب می بینند، متوجه فرد محترک خواهد بود» [Manuski- har, 1970: 174-6].

در جای دیگر این کتاب، در مورد شرایط خرید و فروش گندم چنین آمده است:

عدم اجرای قرارداد یا موادی که در قرارداد آمده، مثلاً انجام ندادن قرارداد در دوره زمانی معین، به دادگاه مراجعه کند و در آن جا علیه طرف دیگر، به طرح دعوی پردازد [همان، ۱۰۲]. تعیین کفیل یا ضامن که با توافق خاصی همراه بود، جدا از توافقی انجام می گرفت که تعهد وعده دار ایجاد و ضامن انجام آن را ضمانت می کرد. وی در حضور دست کم سه گواه، جملاتی را بر زبان می راند که به گفته «ماتیکان هزار داتستان» در ماده ۴۰ چنین بوده است: «من نسبت به این چیز (یعنی بدهی) ضامن فلان کس هستم [همان، ۱۴۲]. نقش او در مقام ضامن، در سندی که قرارداد اصلی در آن آمده بود، ثبت می شد. قرارداد ضمانت، شخص ضامن را در برابر بستانکار مسئول می ساخت و هرگاه عاقد قرارداد اصلی (بدهکار) از انجام تعهد خود در مدت مقرر کوتاهی می ورزید، ضامن ملزم بود بدهی او را پردازد. از سوی دیگر، پرداخت بدهی بدهکار به ضامن حق می داد که پس از پرداخت بدهی، به بدهکار رجوع کند و بدهکار نیز ملزم بود هزینه ای را که ضامن متحمل شده بود، جبران کند.

اما اگر برای یک بدهکار چندین ضامن وجود داشت که خود را ضامن مشترک اعلام کرده بودند، آن ها را دارای مسئولیت مشترک می دانستند و بستانکار می توانست از هر یک بخواهد که تمامی بدهی او را پردازند، زیرا در اصل، هر یک از ضامن ها (هم پابندان) زیر سند وام را امضا کرده بودند. قراردادهای شراکت^۲ نیز مسئولیت مشترک پدید می آورد. قراردادهای شراکت غالباً میان بازرگانان (شرکت های بازرگانی) بسته می شد [همان، ۱۷۶].

چون فروش اموال غیر منقول مستلزم انتقال حق واقعی آن بود، غالباً در سندی آن را به ثبت می رساندند. اما قرارداد اجاره دائمی، در شکل قرارداد فروش انجام می گرفت و تنها قید تعهد «خریدار» و

از مهم ترین قوانین تجارت، همان مقررات حاکم بر قراردادهای خرید و فروش بود. سیمای مشخص قراردادهای این دوره، نخست تثبیت قرارداد در شکل نوشته و در یک سند قرارداد بود. دوم، وجود راه های گوناگون تضمین انجام تعهدات و سوم حمایت دستگاه قضایی از منافع طرف های قرارداد بود

کرتیر. نقش رستم



در قانون نامه «ماتیگان هزار داتستان»، انواع قراردادها، معاملات و حل معضلات مربوط به آن‌ها، طبق شرایط متعدد از جمله شرایط رسیدن کشتی به لنگرگاه، وجود کالا در کشتی و حمل آن به محل فروش، درج شده است

حال، فروش دام به بیگانگان برای کشتار (که طبعاً به کاهش دام‌ها در ایران زمین می‌انجامد)، از سنگین‌ترین گناهان است» [همان، ۳-۱۸۲].
 با تفاسیری که گفته شد، می‌توان دریافت که فروش برخی کالاها از قبیل دام به پیروان سایر ادیان، منع شرعی داشته است.

قانون تجارت برده

برده نیز مانند هر چیز دیگری بود که یک فرد، پادشاه یا پرستشگاه، بر آن حق واقعی می‌یافت و می‌توانست مورد معامله، خرید و فروش، بخشش و کرایه قرار گیرد. در «ماتیگان هزار داتستان» آمده است که تا دوره حکومت بهرام پنجم ساسانی (۴۳۸-۴۲۰ م) بردگی از طریق پدر به فرزند منتقل می‌شد، حال آن‌که از زمان بهرام پنجم به بعد، این انتقال از طریق مادر به فرزند معتبر بود [Farraxmarti, 1980: 27].
 از برده به عنوان وثیقه و گرو استفاده

مگر این‌که شراب محتاطانه از کسانی که در نوشیدن آن افراط می‌کنند، مضایقه شود و به کسانی فروخته شود که اعتدال را رعایت می‌کنند. [پیروان زرتشت] آن را باید به کسانی بفروشند که با مصرف آن امکان بهتر شدن اعمال و رفتارشان وجود دارد».

این رأی، چنین خلاصه می‌شود: «هنگامی که مؤمنان به اعتدال بنوشند، پیشرفت گناه کند می‌شود و اعمال نیک رواج می‌یابد...» [همان، ۷-۱۷۶].

در ماده ۵۳ «داتستان دینیک» در مورد فروش دام توسط بی‌دینان به تجار بیگانه و پیروان ادیان دیگر، حکم بدین قرار است: «این مبادله اگر از روی سودجویی باشد، نامشروع بوده و گناهی سنگین محسوب می‌شود. اما اگر بی‌دینان کسب و کار دیگری برای ارتزاق و حفظ حیات خود نداشته باشند، می‌توانند کار دیگری را که گناه کمتری دارد، انجام دهند. یعنی دام را به بی‌دینی دیگر بفروشند. در هر

«سؤال: اگر شخصی از بابت خرید گندم پولی را به صاحب آن بپردازد و در آن بگوید که من باقی پول را به صورت قسط تا آخر ماه خواهم پرداخت، چنان‌که در طی این یک ماه شخص خریدار گندم خریداری شده را چندین برابر گران‌تر بفروشد، حکم در این مورد چگونه است؟ جواب: اگر طرفین معامله با آگاهی و اختیار به این معامله دست زده باشند، به دلیل دست به دست شدن کالا و صورت گرفتن کالا روی آن، منافع حاصله تنها از آن خریدار (یعنی پرداخت‌کننده پول) خواهد بود. در غیر این صورت، سود حاصل از آن میان فروشنده اصلی و پرداخت‌کننده قسط تقسیم خواهد شد» [همان، ۱۸۲-۱۸۰].

شراب نیز یکی دیگر از کالاهای صادراتی ایران عصر ساسانی بود. در کتاب حقوقی «داتستان دینیک» در مورد فروش شراب به بیگانگان و غیرمؤمنان (غیر زرتشتیان) چنین حکم شده است: «این عمل گناهی بسیار سنگین است،

پارچه. دوره ساسانی



شاهنشاه به شمار می‌رفت، اما در آزادی ناتمام، تنها بخشی از برده آزاد می‌شد. برای مثال، اگر برده‌ای آزادی یک دهم داشت، چنان‌که فرزندی از او متولد می‌شد، آزادی این فرزند نیز در همین حد یک دهم بود [همان، ۲۷].

موبدان در تلاش برای جلوگیری از نابودی اعضای جامعه خود چنین نوشتند: «فروش برده به غیرزرتشتیان مجاز نیست... به علاوه، اگر صاحبان جدید، برده را به دین دیگر بگروانند، آن‌گاه مسئولیت تمام گناهیانی که به سبب اعتقادات غیرزرتشتی مرتکب شود، به عهده کسی است که او را فروخته است [همان، ۲۸].»

وام

وام نیز یکی دیگر از مواردی بود که مشمول قانون تجارت می‌شد. در بخش ۴۱ از فرگرد سوم و نندیداد، دادن وام با ربا به دیگران و گرفتن بهره از آن، از سنگین‌ترین گناهان به شمار آمده است [دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۸۵]. این‌گونه بازرگانی، یعنی تجارت با پول و به‌ویژه با غله، و در تنگنا قراردادن وام‌گیرندگان، در مزدیسنا گناه محسوب می‌شود و احکامی درباره آن ذکر شده است. کسانی که به این‌گونه رفتار کنند، مرتکب گناه شده و در این جهان برخوردار از حد شرعی می‌شوند و در آن جهان در دوزخ عذاب می‌افتند و پادافره خواهند یافت.

در دولت ساسانی که بازرگانی فعالی داشتند و کالاهای بازرگانی از این کشور به سرزمین‌های دور دست برده یا از آن‌ها آورده می‌شد، دادن وام پولی برای تأمین سرمایه بازرگانی دریایی یا کاروانی، پیشرفت فراوانی کرده بود. بازرگانی در اغلب موارد به صورت وام و اعتبار انجام می‌گرفت و بازرگان پس از فروش کالا، حساب خود را پاک می‌کرد. در این دوره که برای مضاربه‌های بازرگانی

می‌کردند یا اگر وامداری قادر به پرداخت وام خود نبود، برده‌اش را به تنهایی یا همراه با یک قطعه زمین، در اختیار وام‌دهنده می‌گذاشت تا با کار کردن برای طلبکار، اصل و فرع وام را مستهلک سازد. قانون به برده‌دار اجازه می‌داد تا با تعقیب قانونی، از طریق دادخواهی مدنی، برده‌ای را که گریخته بود، پس بگیرد.

در اواخر دوره ساسانی و در کتاب «ماتیکان هزار داتستان» فروش برده زرتشتی مذهب به غیرزرتشتیان، منع شده است. برده‌ای که آیین زرتشتی داشت، می‌توانست مالک کافر خود را ترک گوید و برده مخدوم شخص زرتشتی گردد. اگر چنین حادثه‌ای روی می‌داد، مالک پیشین حق نداشت بخواهد که برده نزد او بازگردد، بلکه تنها می‌توانست از مالک تازه به اندازه بهای برده خسارت بخواهد [همان، ۲۸].

رهایی از بردگی از طریق آزادسازی انجام می‌گرفت. آزادسازی اقدامی قانونی بود که برده به موجب آن، آزادی خود را از صاحبش می‌گرفت. یکی از شرایط آزادی، زرتشتی بودن برده و غیرزرتشتی بودن مالک بود. آزادسازی به دو صورت کامل و ناتمام بود. در آزادی کامل، برده تحت حمایت قانون درمی‌آمد و جزو رعیت

به دلیل اهمیتی که بستن عهد و پیمان در دین زرتشت داشت، در مورد شکستن هر یک از عهد و پیمان‌ها نیز متناسب با آن‌ها مجازات و کفاره‌هایی تعیین شده بود که بیشتر به صورت جریمه نقدی پرداخت می‌شد

شرکت بیمه‌ای وجود نداشت، دادن وام برای بازرگانی دریایی (یا بازرگانی از راه خشکی) خطرات فراوانی در برداشت و ای بسا که سرمایه اصلی نیز از میان می‌رفت [یارشاطر، ۱۳۸۰: ۶۳].

در این گونه معامله، «وام‌دار» بازرگانی بود که برای خرید کالا و رساندن آن به جایی که می‌توانست با سود آن را بفروشد، نیاز به پول داشت. یا ناخدا و یا کاروان‌سالاری بود که به گونه‌ای به کارهای بازرگانی می‌پرداخت که لازمه‌اش فراهم ساختن کالا و بردن آن به جایی دوردست بود و برای خرید این کالا، به پول احتیاج داشت و یا این که کالایی را که نیاز داشت، نسبه می‌گرفت. برای وام‌هایی از این گونه، کالاهایی که برای فروش به سرزمین‌های دور دست برده می‌شدند، خود وثیقه یا ضمانت بازگشت پول بودند. معمولاً ارزش این کالاها بسیار بالاتر از مبلغ وام بود. چون در آن روزها سفرها با خطراتی چون خطر غارت، کشتی شکستگی و مانند آن‌ها همراه بود، ای بسا بی‌آن که وام‌دار کوتاهی کرده باشد، وثیقه وام در میانه راه از دست می‌رفت. اگر چنین حادثه‌ای پیش می‌آمد، وام‌دار از زیر بار وام رهایی می‌یافت و وامی که گرفته بود، بخشیده می‌شد. بدین ترتیب، وام‌دهنده به معامله‌ای قمار مانند دست می‌زد. اما تنها تا هنگامی که کالاها در راه بودند، زیرا پس از این که کالاها به سر منزل می‌رسیدند، دیگر هرگونه خسارت و آسیب احتمالی، به گردن وام‌دار بوده است [همان، ۶۴].

انواع قراردادها

در قانون‌نامه «ماتیگان هزار داتستان»، انواع قراردادها، معاملات و حل معضلات مربوط به آن‌ها، طبق شرایط متعدد از جمله شرایط رسیدن کشتی به لنگرگاه، وجود کالا در کشتی و حمل آن به محل فروش، درج شده است. هر یک از شرایط مذکور،

سبب تغییراتی در قراردادها و معاملات می‌شد که با نوع کالا و اطمینان‌بخش بودن محل استقرار آن در زمان معین، رابطه نزدیک داشت. در معاملات و قراردادها، امکان فاسدشدن و آسیب دیدن کالا و مخاطراتی که ممکن بود در جریان حمل آن پدید آید، منظور می‌شد و مورد توجه قرار می‌گرفت.

اهورا مرزا در برابر سؤال زرتشت مبنی بر تعداد پیمان‌ها چنین پاسخ می‌دهد: «۱. عهد و پیمان‌شفاهی؛ ۲. عهد و پیمان با فشردن دست؛ ۳. عهد و پیمان به ارزش یک گوسفند؛ ۴. عهد و پیمان به ارزش یک گاو؛ ۵. عهد و پیمان به ارزش یک انسان؛ ۶. عهد و پیمان به ارزش یک قطعه زمین آباد و حاصل‌خیز» [دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۸۹].

به دلیل اهمیتی که بستن عهد و پیمان در دین زرتشت داشت، در مورد شکستن هر یک از عهد و پیمان‌ها نیز متناسب با آن‌ها مجازات و کفاره‌هایی تعیین شده بود که بیشتر به صورت جریمه نقدی پرداخت می‌شد.

از «قانون‌نامه ایشوع بوخت» آگاهی داریم که دعاوی مربوط به «وام‌های مضاربه‌ای» را در دادگاه‌های رسمی نمی‌پذیرفتند، بلکه دادگاه حکمیتی که اصناف یا بازرگانان تشکیل می‌دادند، به این دعاوی رسیدگی می‌کرد [پیشین].

در کار بازرگانی، قراردادی از اهمیت فراوان برخوردار بود که در آن وکالت یا قدرت وکیل به کس دیگر داده می‌شد. غالباً در قرارداد، نوع وکالت تصریح می‌شده است. ممکن بود بگویند: «من به فرخو^۳ اختیار داده‌ام برای واریز کردن بدهی من، پول را بپردازد و وثیقه مرا از گرو آزاد کند»، یا به وکیل وکالت داده می‌شد که چیزی را بفروشد [Matakani Hazar Datastan, 183].

اگر وکیل به ضرورت هزینه‌هایی را

متحمل می‌شد، آن هزینه‌ها را به او پس می‌دادند. قراردادی از این گونه را باید روی کاغذ می‌نوشتند و از آن سند مکتوب تهیه می‌کردند. قراردادی را که بر سر آن به توافق قطعی رسیده بودند، در صورتی که دو طرف قرارداد به فسخ آن تمایل داشتند، می‌توانستند برهم بزنند و اعلام کنند که قراردادشان اجرا نخواهد شد. در برخی از قراردادها، یک مهلت سه روزه تعیین می‌کردند و از لحظه‌ای که قرارداد بسته می‌شد تا سه روز، هر یک از دو طرف قرارداد در صورت تمایل می‌توانست قرارداد را فسخ کند.

گذشته از اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی نیز می‌توانستند یکی از دو طرف قرارداد باشند و کارگزاران و گماشتگان به نمایندگی از آن‌ها در تنظیم قرارداد حضور یابند. برای نمونه، «قانون‌نامه» از یک مورد قرارداد وام یاد می‌کند که میان یک آتشکده و یک شخص حقیقی بسته شده بود و وام‌دهنده آتشکده بود. لازم به ذکر است، روحانیان از بزرگ‌ترین وام‌دهندگان بودند و قدرت مالی بسیار بالایی داشتند [رضی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۴۶۷]. منبع ثروت روحانیون عبارت بود از اجرای بسیاری از امور مردم، چون: انجام معاملات، نوشتن و رسمی کردن یا شرعی کردن امور تجاری و فلاحتی، فیصله دادن به مراعات در دادگاه‌ها، نوشتن اسناد ملکی و اخذ حقوق شرعی و کتابت و عواید حاصل از املاک و مستغلات وابسته به معابد و آتشکده‌ها و غیره.

شرایط بازرگانی و حدود دارایی

در «روایت پهلوی، بخش ۴۲» در مورد شرایط بازرگانی و مازاد درآمد، روایت بدین گونه است:

«این که بازرگانی چگونه باشد که در گناه نباشد. اگر در شهری یک دست جامه چهار درهم ارزد، به چهار درهم بخرد و



پاره‌ای قوانین تجاری دیگر وجود داشتند که توسط مأموران دولت و از طریق اخذ حقوق گمرکی در طول راه‌ها و دریافت عشریه (یک دهم) در بازارها اعمال می‌شدند

به شهر دیگری ببرد و بدان جا که برود، ده درهم ارزد، به ده درهم بدهد، مزد و روزی خویش و ستور را از آن بستاند و مازاد را به صدقه بدهد، ثواب بزرگی است. و اگر مازاد را به صدقه ندهد، بدان زمان جایز نیست که با آن پول از راه کشاورزی و دام‌داری، خواسته (مال و دارایی) جمع کند. این بدان سبب است که اگر خواسته را برای زندگی بهتر لازم دارد، برای زندگی بهتر، تا سیصد «استیر»^۴ اندوختن جایز است. از آن بیشتر، چون سود از آن آید، جز هزینه خویش، باید بقیه را به صدقه بدهد...» [میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۵۱].

به روشنی و وضوح از این مسائل برمی‌آید که در دوران ساسانیان، از دیدگاه شرع، برای دارایی حد و اندازه‌ای وجود داشته و ثروت اندوزی سخت نکوهش می‌شده است و البته این امر طبقه بازرگان را محدود می‌کرد. اضافه درآمد مردم باید به محاکم شرع و ادارات شاهی تأدیبه و پرداخت می‌شد، و گرنه مالشان حرام و خودشان گناهکار محسوب می‌شدند و بی‌گمان در صورت آگاهی محاکم، اموالشان مصادره می‌شد. به همین جهت است که خزائن آتشکده‌ها و معابد، ثروتمندتر و پرمایه‌تر از خزائن شاهی بوده است. چون مردم علاوه بر مالیات‌های دینی و مقرر که باید به محاکم و دیوان شرع می‌پرداختند، به عنوان کمک، ندور، صدقات و... به اداره‌های مالی موبدان پرداخت‌های فراوان نقدی، جنسی و نیروی کار نیز داشتند [مانکجی رستمجی اونوالا، ۱۹۲۲: ۵۸].

«روایات داراب هرمزدیار» راجع به امر بازرگانی می‌افزاید:

«پرسش: کدام بازرگانی است که در بازرگانی مرگ ارزان^۵ شود؟ پاسخ: این که آن چه خرنده و فروشد، یزدان بر آن خرید و فروخت روا نداشته و نفرموده است. فروشنده و خرنده هر دو ریمن^۶ و مرگ ارزان باشند و بی‌بها هم

مرگ ارزان. پس چون ایدون است، در همه کاری فرمان یزدان کوشی باید داشت» [همان، ۵۸ و ۵۷].

از موارد فوق می‌توان استنباط کرد که در جامعه ساسانی، بازرگانی از لحاظ دینی برای بی‌دینان منع شرعی داشته است و این حکم در مواقع قدرت و میدان‌داری موبدان و هم‌چنین تعصب‌ورزی پادشاهان ساسانی، حتی در مورد پیروان سایر ادیان موجود در قلمرو ساسانی نیز اعمال می‌شد. و سخت‌گیری‌های «کریتر»^۷ نسبت به اقلیت‌های مذهبی و تبعید یهودیان و مسیحیان، دلیل موثقی است بر این ادعا.

شرکت‌های تجاری

بازرگانی توسط شرکایی از افراد عادی یا جماعات دینی که سرمایه‌های خود را به اشتراک می‌گذاشتند و شرکتهای تشکیل می‌دادند، انجام می‌گرفت. اصطلاح مورد استفاده برای شرکت‌های این چنینی، واژه «همبایی» [دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۱]. لازم به ذکر است که این اصطلاح نه تنها به شرکت‌های تجاری، بلکه به شرکت‌های دیگری از قبیل شرکت‌های حفاری و بازسازی کانال‌های آب و مانند آن نیز اشاره دارد.

در ماده چهارم از کتاب «ماتیگان هزار داتستان»، به تفصیل از وضع شرکت‌ها سخن رفته است. در این فصل، پیرامون حقوق و وظایف اعضای شرکت‌ها که به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران مقام مهمی داشتند نظریات گوناگونی ارائه شده است. اصول کلی شرکت‌ها به شرح زیر آمده است:

«هرگاه کسانی شیئی را به هر تعداد خریداری کنند و به تملک خود درآورند و چنین توافق کنند که همه اموال و یا شیء خریداری شده به ما تعلق دارد، پس آن‌گاه همه اموال و یا شیء خریداری شده، به تساوی متعلق به آنان خواهد بود» [Far - raxmarti, 1980: 147].

موجب تحریک حس کنجکاوای غربیان و دست‌یابی آنان به اکتشافات جدید شد، به طوری که در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی توانستند قلمرو ایران و عثمانی را از شمال و جنوب دور بزنند و به سرزمین‌های ادویه و ابریشم دست یابند [Ziskind, 1973: 35-49].

پی‌نوشت

1. Čaštak
2. Hambayih
3. farraxv
۴. هر استبر برابر با چهار درهم بوده است.
۵. مرگ ارزان = مستوجب کشتن
۶. ریمن = ناپاک، از دین بیرون
۷. کرتیر = هیربذهری‌بذان در دوره چهار پادشاه اول ساسانی

منابع

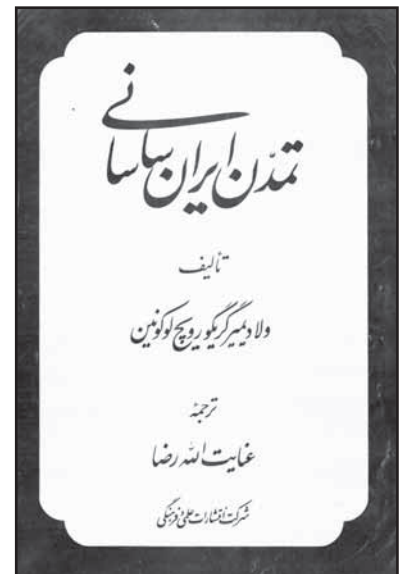
۱. احمدی، اشرف. **قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان**. انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. تهران. ۱۳۴۶.
۲. اوستا. گردآوری جلیل دوستخواه. نشر مروارید. تهران. ۱۳۷۰.
۳. دریایی، تورج. **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. انتشارات ققنوس. ۱۳۸۳.
۴. **روایات پهلوی داراب هرمزدیار**. به اهتمام موبد مانکجی رستمجی اونوالا. بمبئی. ۱۹۲۲.
۵. **روایت پهلوی** (متنی به زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی). ترجمه مهشید میرفخرایی. انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۷.
۶. عباس، احسان (گردآورنده). **عهد اردشیر**. ترجمه محمدعلی امام شوشتری. انجمن آثار ملی. تهران. ۱۳۴۸.
۷. کریستن سن، آرتور. **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. انتشارات صدای معاصر. تهران. ۱۳۷۸.
۸. **وندیداد**. ترجمه هاشم رضی. انتشارات فکر روز. تهران. ۱۳۷۶.
۹. یار شاطر، احسان و دیگران. **تاریخ ایران**. کمبریج (ج ۳). گردآورنده: جی.آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۸۰.
10. Farraxmarti Vahraman; **Matakdani Hazar Dadistan**, by Mina Garsoian, Mazda Publishers, New York, 1980.
11. Manuskihar; **Dadistan dinik**, Translated by E.W.West, Motilal Banarsidass, delhi, 1970.
12. Shaki. **Manours; documents in the Sasanian Periods**, Iranica Encyclopedia.
13. Ziskind. Jonathan; **The International Legal Status of the sea in Angiquity**, Acta Orientalia, Copenhagen.

در طول راه‌ها و دریافت عشریه (یک دهم) در بازارها اعمال می‌شدند. احداث گمرک‌خانه‌های متعدد در بنادر خارک، سیراف و ابله بدین منظور بوده است و به موجب پیمانی که بین **خسرو و نوشیروان** و **ژوستی نیان** (امپراتور بیزانس) بسته شد، بازرگانان آزادانه در قلمرو طرفین به داد و ستد کالا پرداختند و شهرهای «نصیبین» در جانب دجله و «کالی نیک» در سمت فرات و «ارتاکراتا» در ناحیه ارمنستان، به عنوان محل اخذ عوارض گمرکی بین دو دولت تعیین شدند [کریستین سن، ۱۳۷۸: ۹۱].
قانون دیگر، به انحصار دولتی خرید و



فروش پاره‌ای کالاها از قبیل مواد معدنی و اشیای فلزی و مخصوصاً ابریشم خام مربوط بود که خرید و فروش آن‌ها به دست مأموران دولتی صورت می‌گرفت و قیمت و میزان آن‌ها را دولت تعیین می‌کرد [یارشاطر، ۱۳۸۰: ۱۴۱].

در سطح بین‌المللی، در این دوره مسئله مالکیت قانونی بر آب‌ها مطرح بود، به طوری که تجار دریانورد ایرانی، از رفت‌وآمد کشتی‌های بیزانسی و حبشی از طریق آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند جلوگیری می‌کردند. بعدها پی‌گیری این سیاست توسط عثمانی‌ها



طبق اصول و مقررات شرکت‌ها، سرمایه، درآمد حاصله و یا اموال و اشیای متعلق به شرکت، به تساوی میان کلیه اعضای شرکت قابل تقسیم بود.

اصل عمده در شرکت و مهم‌ترین عامل آن، مالکیت عمومی اعضا و جمعیت آن بود. اصل تقسیم برابر و رعایت کامل آن، پایه محکم و مطلق برای شرکت‌ها به‌شمار می‌رفت. فروش سهم یکی از اعضا بدون جلب موافقت قبلی دیگر اعضای شرکت، غیرممکن بود.

بدین روال، شرکت رواج و گسترش فراوان داشت و در آن نه تنها بازرگانان، بلکه افراد دارای اموال غیرمنقول از جمله صاحبان مزرعه و خانه نیز که این اموال غیرمنقول را به اجاره می‌دادند، در شرکت سهیم می‌شدند. درآمد حاصله از اموال آن‌ها نیز درآمد عمومی شرکت به‌شمار می‌رفت. بر پایه مطالب ارائه شده می‌توان مدعی شد که رواج گسترده شرکت و تعاون، هدف کسب سود را دربرداشت. این مهم از راه بازرگانی، بهره‌کشی، وام و اجاره میسر بود.

علاوه بر این، پاره‌ای قوانین تجاری دیگر وجود داشتند که توسط مأموران دولت و از طریق اخذ حقوق گمرکی